

ایران

مساحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی
مدیر مسئول: مهدی شفيعي
سرديبر: جواد دليري

اذان ظهر ۱۱/۵ اذان مغرب ۱۷/۴۷ نیمة شب شرعی ۲۳/۰۹ اذان صبح فردا ۴/۴۸ طلوع آفتاب فردا ۶/۱۲	
امام حسن عسکری علیه السلام: اِنَّ لِّبَشَاءِ مَقْدَارًا فَإِنَّ زَادَ عَلَيْهِ قَهَّوْ سَفَرٌ؛ سخاوت اندازه ای دارد که اگر از آن فراتر رود اسراف است.	
سخن روز	اعلام الدین فی صفات المؤمنین ص ۳۱۳

<div><div> </div></div>		<div><div> </div></div>
---	--	---

آثار عاشورایی چقدر در کمیت و کیفیت گویای عظمت داستان هستند

هنر آیینی نباید گزینشی باشد

«هنرمندان باورمند طی چند دهه اخیر آثاری خلق کرده اند که فاخر اما کافی نیستند

تبلور هنر دینی یکی از نمودهای زندگی بشری است، چراکه دین برای جهت دادن به زندگی است و به واقع همان زندگی است؛ الهام بخش و هدایتگر زندگی است و هنر نیز عین زندگی است بنابراین دین و هنر هر دو بخشی از زندگی انسان هستند و پرداختن به مقایسه دین برای هنرمندان ضرورت دارد و ضرورتش این است که انسان در هر دوره ای از زندگی خودش و همچنین مخاطبان هنری ما همچنان به معرفت پیرامون انمه اظهار(ع) محتاج هستند و چه بهتر که هنرمندان به این مسائل بپردازند. یکی از جلوه‌های هنر دینی هم پرداختن به پیامبر(ص)، معصومین و انمه اظهار(ع) است. به همین دلیل در آثار بسیاری از هنرمندان دیده می‌شود که هر کدام تعریفی از هنر دینی داده و با رویکردی متفاوت به بزرگان دین پرداخته‌اند اما در طول عمر هنرهای تجسمی از دیرباز تا امروز، هنرمندان ما به لحاظ کمکی و کیفی تا چه حد توانسته‌اند خالق آثاری در شان و جایگاه انمه یا اتفاقات بزرگ تاریخی مثل عاشورا باشند؟

هنرمندان غربی ازجمله پیروان حضرت مسیح (ع) و موسی(ع) تلاش‌های بسیار جامعی طی قرن‌های متعدادی داشتند و هنرمندان بزرگشان آثار بسیار فاخری به سفارش کلیسا خلق کردند و تقریباً همه آنها در تاریخ هنر جهان به ثبت رسیدند.

در کشور ما در حوزه هنر آیینی در سینما و ادبیات طی سال‌های اخیر، مخصوصاً پس از انقلاب کارهای مختصر اما قابل توجهی انجام دادند؛ از جمله در حوزه سینما با آثاری آبرومندانه مثل «رستاخیر» آقای درویش یا روز واقعه. اما در حوزه هنرهای تجسمی و رشت‌ای مثل نقاشی در گذشته آثاری از هنرمندان قهوه‌خانه‌ای داشتیم که بسیار با ارزش است و به دور از تحریفات و خرافه‌ها و در واقع آثاری هستند یقینی و قطعی و باورمند.

من معتقدم ما در حوزه فعالیت هنرمندان تکیه و قهوه‌خانه کارهایی انجام داده‌ایم و آثار قابل توجهی داریم اما اگر بخوایم وارد بحث قیاس شویم و هنر آیینی خود را با آنچه در غرب و کلیسا اتفاق افتاده بسنجیم

مستند «دلبند» در هفته‌های اخیر شش جایزه از جشنواره های جهانی کسب کرد

مستندهاوتغییر چهره سینما



فیلم مستند «دلبند» به کارگردانی یاسر طالبی و تهیه‌کنندگی الهه‌نوبخت، در ادامه موفقیت‌های بین‌المللی خود، در ماه میلادی گذشته شش جایزه از جشنواره‌های جهانی کسب کرد.«دلبند» قصه زندگی دشوار اما شیرین یک مادر تنهایی هشتاد و سه ساله به نام «فیروزه» را روایت می‌کند که زندگی منحصر به فردی در دل رشته کوه‌های البرز دارد. حضور موفق سینمایی مستند ایران در فستیوال‌های بین‌المللی در شرایطی ادامه دارد که سینمای داستانی کشور مان در یک سال گذشته توقیف چندانی در مجامع بین‌المللی نداشته‌است.

یادداشت اول



یاسر طالبی کارگردان مستند دلبند

ما دغدغه ثبت و ضبط زندگی معمول و مرسوم جامعه ایرانی را دارد و در صد آگاهی بخشی به مخاطب است. سینمای مستند به لحاظ امکانات فنی سینمای شخصی تری به حساب می‌آید و یک فیلمساز دغدغه‌مند با یک دوربین می‌تواند با واقعیت پیرامونش به گونه‌ای برخورد و آن را ثبت و ضبط کند که برای مخاطب جهانی جالب و جذاب باشد اما سینمای داستانی ما بیشتر به تله‌فیلم شبیه شده است. زبان سینمای داستانی‌مان داخلی و درون سرزمینی است، مخاطب فراگیر ندارد و از حیث ایده و سناریو همچنان حول یک محور و داستان‌های تکراری می‌چرخد. به عنوان مثال در یک دوره روی موضوعاتی اجتماعی متمرکز می‌شود که از نظر تماتیک شبیه هم هستند و بالطبع برای آنها جذابیتی ندارد. امروز مخاطبان خارجی به دنبال شنیدن داستان‌های تازه از ایران هستند. شاید در یک دوره ساخت فیلم‌های منتقدانه در فستیوال‌های بین‌المللی خریدار داشت ولی امروز این نوع

”

علیر ضارئیسیان: سالن‌های سینما سالن‌های وزنه‌برداری نیست

در حال حاضر حجم زیادی از فیلم‌ها پشت خط اکران مانده‌اند. باید بعد از آبان وضعیت نامناسب سینما را دید. باید عنوان کتب نرم برخی سالن‌های سینما را با سالن‌های وزنه‌برداری اشتباه گرفته‌اند و مدام از رکورد فیلم‌هایشان می‌گویند.

گفت‌وگوی علیرضارئیسیان با «مهر»



منوچهر انور: مرگ لاموریس من را شوکه کرد

به نظر من «بادصبا» باید به درون خانه‌های قدیمی چندصدساله می‌رفت که آن زمان هنوز وجود داشتند. آلبر لاموریس باید سنها دمن موافقت کرد و قرار شد به ابرقوبرویم و کار را شروع کنیم. دوروز بعد خبر در گذشت لاموریس را شنیدم. باید بگویم شنیدن خبر مرگ آلبر لاموریس بیش از مرگ مادر من را شوکه کرد.

در صفحه ۶ بخوانید

ظهر روز عاشورا/ نگارگری اثر حبیب‌الله صادقی



پاک کردن صورت مسأله با حذف زبان از آموزش رسمی

چالش‌های یک تصمیم مدیریتی

به گمانم تا زمانی که یک فرد دانشگاهی نباشد و با چالش مقاله‌نویسی، جست‌وجوی پروژه، تقلا برای سردرآوردن از آخرین یافته‌های علمی و پژوهشی، شرکت در کنفرانس‌ها و سمینارهای بین‌المللی و نظایر آن مواجه نشده باشد، درد عدم تسلط به زبان ارتباط بین‌المللی را درک نخواهد کرد. وقتی دانشجو هستیو د

ناچارید ساعت‌ها وقت صرف ترجمه یک صفحه کنید و دست آخر می‌فهمید مطلب موجود در آن به درد پرورتان نمی‌خورد، کارتان را پیش نمی‌برد و این مرحله را صد‌ها بار و صد‌ها ساعت دیگر تکرار می‌کنید. در حالی‌که اگر به زبان انگلیسی مسلط بودید با یک نظر متوجه مطلب می‌شدید و عمرتان هدر نمی‌رفت. متأسفانه ما آن قدر وقت نداریم که همه زبان‌های دنیا را یاد بگیریم و مثلاً وقتی در یک کنفرانس جراحی مغز، فردی اسپانیولی صحبت می‌کند، آپشن اسپانیولی مغمزان را فعال کنیم و بفهمیم چه می‌گوید. به همین دلیل انسان‌ها راه حل ساده‌تر را پیش گرفتند: «انتخاب یک زبان جهانی». در یک این مطلب ساده می‌نماید و لذا خانواده هوشمند ایرانی به‌درستی در یافته برای اتصال به جامعه جهانی و استفاده از دانش و مهارت بین‌المللی ناچار است زبان ارتباط را بلد بشود. نمی‌توانی مهارت‌هایت را گسترش دهی، یا حتی از کاتالوگ و روش تعمیر یک وسیله خانگی سر در بیاوری اگر زبان ارتباط را ندانی. نمی‌توانی در حوزه اقتصاد و تجارت، بورس و سرمایه‌گذاری جهانی ورود کنی یا حتی یک گزارشگر، یا خبرنگار ورزشی باشی که عاقبت بعد از یک عمر تلاش حرفه‌ای، به دلیل عدم توانایی در برقراری ارتباط مورد تمسخر قرار نگیری. نمی‌توانی در جوامع بین‌المللی پاسخگو و مدافع حقوق ملتت باشی، نمی‌توانی در چرمان تاریخ رشادت‌ها، اندیشه‌ها و آرمان‌هایت باشی. ترجمه‌ات می‌کنند. تحریف می‌شوی. حذف می‌شوی. عقب می‌مانی. خانواده ایرانی این مهم را می‌فهمد. اما مسأله این است که برنامه‌های درسی آموزش و پرورش کارایی لازم جهت آموزش زبان انگلیسی را نداشته‌اند. سال‌هاست خانواده‌ها

اتفاق روز

کوثر شیخ نجدی فعال فرهنگ

دریافته‌اند برای آموزش صحیح فرزندان‌شان باید به آموزشگاه‌های آزاد زبان متوسل شوند. با این وجود درخواست حذف زبان از کتب درسی توسط نمایندگان مجلس نشان می‌دهد این عزیزان به جای اندیشیدن به راه‌های حل مسأله فقط توانایی پاک کردن صورت مسأله را دارند. به عنوان یک معلم و شهروند، این نمایندگان می‌پرسم:
۱_ چگونه است که طبق این طرح، معلمان موجود در سیستم آموزش و پرورش تا به امروز کارایی لازم را نداشته‌اند اما در صورت کار در آموزشگاه‌های آزاد کارآمد خواهند شد؟ آیا جزاین است که ایراد‌های اساسی متوجه روش‌های تدریس و تدوین غیر اصولی کتب آموزشی در آموزش و پرورش است؟
۲_ تکلیف دانش‌آموزان روستایی و خانواده‌هایی که توان پرداخت هزینه‌های آموزشگاه را ندارند چه می‌شود؟ آیا این امر در تناقض آشکار با عدالت آموزشی و اصول اولیه قانون اساسی نیست؟
آیا زجرآور نخواهد بود اگر دانشجوی پزشکی یا مهندسی و... قبول شده از منطقه محروم از خواندن کتب مرجع دانشگاهی نتوان باشند؟ از آن‌گاه چه کسی پاسخگو خواهد بود؟

۳_ چه کسی پاسخگوی سرگردانی نیروهای رسمی آموزش و پرورش در آموزشگاه‌ها و ناامنی روانی و شغلی‌شان خواهد بود؟ دستگاه عریض و طویل آموزش و پرورش هر سال از سازماندهی صحیح نیروهای خود عاجز می‌ماند. حال چگونه ممکن است این آموزشگاه‌های آزاد توان مدیریت و برخورد صحیح با همکاران فرهنگی را داشته باشند؟

۴_ آیا بهتر نیست به جای این همه خودزنی و درهم ریختگی، فکری به حال کتب درسی کرده و با بازنگری آنها و نیز بررسی وبه کارگیری سیستم‌های موفق آموزشگاهی در مدارس، آموزش زبان را به شکلی موثر احیا کنیم. چه اگر بنا باشد هر درس ناکارآمدی در آموزش و پرورش را به آموزشگاه‌ها واگذار کنیم این امر قابل تعمیم به سایر دروس نیز خواهد بود و کمتر درسی از این ورطه جان سالم به‌در خواهد برد.



عکس نوشت

جیدترین اثر مارتین اسکورسیزی به عنوان فیلم افتتاحیه جشنواره فیلم لندن به نمایش در آمد و با استقبال تماشاگران مواجه شد. علاوه بر اسکورسیزی، رابرت دونیرو و آل پاچینو هم در این مراسم حاضر شدند و بازست‌های خود عکاس‌ها و سینمادوستان را سر ذوق آوردند.
چهره درهم شکسته آل پاچینو در این تصویر که به نظر می‌رسد بیشتر از اسکورسیزی و دونیرو گرد پیروی بر آن نشسته بحث‌هایی را در شبکه‌های اجتماعی به راه انداخت. بسیاری از سینمادوستان با دیدن این عکس‌ها از یک طرف برای شکل گرفتن یک قاب تاریخی ابراز خوشحالی کردند و از طرف دیگر به خاطر سالخوردگی چهره‌های سینمایی محبوب خود به خصوص آل پاچینو افسوس خوردند.



اینجا بدون من بهرام توکلیم

مامان میدونی چجوری از این همه بدبختی خلاص می‌شیم؟
یه شب به‌شام درست‌حسابی بپزیم بخوریم، بعدس فرصت همه‌درازای دروینج‌ره‌ها روبندیم، یک‌می مون‌شیر گازرو بازبذار، بعدبپزیم بخوابیم، صبح‌شده‌همه دردرس‌هامون پزیده.

قلم‌زنی ایرانی جایگاهی بی‌نظیر دارد

نگارخانه «مس‌نگار» به روال هر سال و در راستای معرفی و ارتقای هنر قلم‌زنی، امسال نیز نمایشگاه گروهی «آثار نفیس هنرمندان قلم‌زن» را به مدت یک هفته از ۱۹ تا ۲۵ مهرماه برگزار کرده است.

قلم‌زنی تعریف خاصی دارد. ایجاد نقوش و طرح‌های انسانی، حیوانی و گیاهی روی فلزات با چکش و قلم‌های فولادی. این کار از دوره‌های هخامنشی، ساسانی، ایلامی و سلجوقی انجام می‌شد و در دوران صفویه به اوج خود رسید. اما وقتی به دوره قاجار رسید دچار رکود و ضعف شد و این رکود تا اواخر دوره قاجار و اوایل دوره پهلوی ادامه پیدا کرد. تا زمانی که آلمانی‌ها به ایران آمدند و چون با ارامنه اصفهان هم‌دین و مسلک بودند، در جلغای اصفهان سکنا گزیدند.

بعدها به وسیله هنرمندان ارامنه اصفهان هنر قلم‌زنی ایرانی شکل گرفت و استادان نامی بسیاری به پیشنهاد آلمانی‌ها قلم‌زنی کردند. اما سبک قلم‌زنی‌شان بسیار متفاوت با دوره‌های پیش بود. آنها نوعی مینیاتوری انجام می‌دادند و به وسیله قلم‌های فولادی تحول ایجاد کردند. قبلاً استادان از شیوه‌های متفاوتی استفاده می‌کردند. اما در تحولی که این استادان ایجاد کردند، با قلم‌های نوینی به نام قلم‌های عاج دار در قلم‌زنی‌هایشان سایه ایجاد کردند. همان سایه‌ای که در نقاشی‌های گرافیکی ایجاد می‌شود، آنها با قلم فولادی ایجاد کردند که باعث شد نقوش انسانی یا گیاهی شباهت واقعی پیدا کنند. این اتفاق باعث شد تعداد زیادی از استادان مجرب و بنام ایرانی به دنیا معرفی شوند. استادانی که بعضاً دیگر تکرارشدنی نیستند و طراح‌هایشان سلیقه زیادی داشتند و اکنون باید در موزه‌ها به دنبال آنها گشت. قلم‌زنی در اوایل انقلاب و نیز اوایل جنگ ایران و عراق باز هم رو به رکود رفت اما بعد از آن دوباره رشد کرد. اکنون با حمایت‌هایی که گالری مس‌نگار از قلم‌زنان جوان و پیشکوس‌تان این عرصه می‌کند یکی از بهترین مشوق‌های رشته قلم‌زنی است. از طرفی هنر قلم‌زنی در دنیا منحصر به‌فرد است آن هم به ایران و بخصوص به اصفهان. البته کم و بیش در اراک هم هنرمند قلم‌زن داریم اما معدن آن اصفهان است. یکی از صنایع رو به رشد همین صنعت قلم‌زنی است و جوان‌ها چه مرد و چه زن با استفاده از تجربیات مس‌ن‌تراها اکنون کارهای شایسته و خوبی عرضه می‌کنند.

شهروند مجازی

یکانه خدایی

هشتک #روح‌الله زم

خبر بازداشت روح‌الله زم مدیر کانال تلگرامی آمدنیوز که بارها و بارها اخبار دروغ درباره ایران کاری می‌کرد عجیب‌ترین و پربازتاب‌ترین خبر دیروز بود. سیاه پاسداران طی بیانیه‌ای بازداشت او را اعلام کرد که در این بیانیه آمده بود: «در این عملیات حرفه‌ای، هوشمندانه و چنده‌جوسی با به کارگیری روش‌های نوین اطلاعاتی و شگردهای ابتکاری، سرویس‌های بیگانه را مدیریت و فریب داد و روح‌الله زم را به داخل کشور هدایت و بازداشت کرد.» این خبر و این بیانیه را کاربران زیادی در صفحات‌شان منتشر کردند و درباره‌اش نوشتند. نحوه بازداشت او و البته پست تلگرامی کانال آمدنیوز یکی از سؤاره‌های مربوط به این خبر بود که به آن می‌پرداختند. باافاصله بعد از دستگیری ادمین آمدنیوز، خبر واطلاهی مربوط به بازداشت زم با نشان سپاه پاسداران در این کانال منتشر شد. در واکنش‌ها به این خبر، هشتک روح‌الله زم نوشته می‌شد: «ایاتونه گفته بودم روح‌الله زم غافلگیر خواهد شد؟!»، «سوار وپوما که شد شک کرد اشتباهی سوار شده‌چون بلیت صندلیش پنجاه وچهار بود و یکی دیگه هم بلیتش پنجاه و چهار بود ولی مهماندار نگفت نه دردت سوار شدید. موقع فرود داد می‌زد اینجا تهران‌ه نه دویی مهماندار باز گفت نه اینجا فروگاه دویی است و اتقان‌تون تو هتل آریز روزه‌شده»، «خبر دستگیری روح‌الله زم یکی از براندازان پلاستیکی و سر شبکه سایت آمد نیوز که به لجن پراکنی مشغول بود به دست اطلاعات سپاه‌شان از افتخار و اشراف اطلاعاتی این نهاد دارد. خبرهای خوبی از پشت پرده این وطن فروش منافق خواهد رسید. خود شهدا حافظ این دیار است»، «روز کسل‌کننده‌ای رو سیری می‌کردم که خبر بازداشت روح‌الله زم رو دیدم و آلان سرشار از انرژی هستم»، «خیطورییییی زم!»، «چرا مخاطبان آمدنیوز هی دارن لفت می‌دن؟ کجا میری عمو؟ حالا از کانال لفت بدی، پیام‌هایی که قبلاً به ادمین ارسال کردی رومی‌خوای چیکار کنی؟»

فیلتر ینگ جدید

دیروز یکی از سایت‌های خبری درباره فیلتر شدن پلی استور گوگل منتشر کرد. تصویری از نامه جواد جاویدسپنا سرپرست معاونت فضای مجازی دادستانی کل کشور درباره این فیلترینگ منتشر شد و کاربران زیادی درباره این خبر و این نامه نوشتند. البته بعد خبرهایی درباره جعلی و ساختگی بودن نامه هم بازنشر می‌شد اما اظهار نظر‌ها درباره این موضوع ادامه داشت. بخشی از واکنش‌ها به شایعه فیلتر ینگ پلی استور را بخوانید: «تنها چیزی که به ذهنم می‌رسه از فیلتر گوگل پلی اینه که به سری اپلیکیشن‌ها رو که می‌خواستی داندلو کنی می‌زد not available in your country حالا قبل از ورود می‌زنه شما از کشور خودتون نمی‌توبین وارد بشین، و «خداوشکر سرویس تهدید آمیز گوگل پلی هم فیلتر شد تا قوانین و ابرار‌های مسدودکننده بازم توسعه دهنده‌ها و کاربر‌ها راز دسترسی به امکانات استاندارد گوگل محدودتر کنن»، «گوگل پلی رو چی کار داشتین دیگه»، «خیلی وقته گوگل پلی عملاً فیلتر شده. بدون فیلتر شکن، داندلود برنامه‌ها تا ۹۹ درصد میره ولی هیچ وقت صددرصد نمی‌شه. بدون فیلتر شکن بیشتر وقت‌ها بیشتر اپ‌ها رو نمیشه از گوگل پلی Update کرد. کسی هم چیزی نمی‌گفت. شاید به خاطر تاگرام همه‌همیشه فیلتر شکن‌هاشون روشنه ونفهمیدن این قضیه رو»، «خبر فیلتر شدن معتبرترین استور اندروید یعنی گوگل پلی تن و بدنم رولرزنده. چه استوری به خوبی گوگل پلی میتونه گزارش ارائه‌کنه؟ جزئیات دستگاه‌ها، تعداد نصب جدید و... واقعاً تصوراتون از فیلتر کردن چیه؟»